

بررسی کیفی شکاف نسلی ارزشی بین مادران و دختران در مشهد با تأکید بر ارزش‌های دینی^۱

علی ربانی، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان
عاطفه محمدزاده یزد، دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه اصفهان*

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی شکاف نسلی ارزشی بین مادران و دختران با تأکید بر ارزش‌های دینی در شهر مشهد است. جامعه آماری مادران و دختران در شهر مشهد را در بر می‌گیرد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۱۲۰۳۴۷۶ نفر بوده‌اند. از میان دختران جوان ۱۸ تا ۲۹ ساله و والدین آنها ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. روش تحقیق، کیفی بوده، به منظور گردآوری اطلاعات از تکنیک مصاحبه استفاده شد. رویکردهای نظری مورد استفاده در این مقاله بر پایه نظریات کلان در حوزه شکاف نسلی است. چهار دیدگاه درباره وجود یا عدم پدیده شکاف نسلی وجود دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که مادران در زمینه ارزش‌های دینی بر روی دخترانشان تأثیر بسزایی داشته‌اند و اختلاف بین دختران و مادران در زمینه این ارزش‌ها بر روابط بین آنها تأثیرگذار نیست. بر این اساس، می‌توان گفت بین دختران جوان و مادران آنها در زمینه ارزش‌های دینی تفاوت نسلی حاکم است.

واژه‌های کلیدی: شکاف نسلی، شکاف نسلی ارزشی، تفاوت نسلی، ارزش‌های دینی و روش تحقیق کیفی.

^۱ این رساله از حمایت مالی مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد برخوردار شده است.

مقدمه

برخورد تضادگونه بین نسلی امری تاریخی است و بنابراین، اشاره به این نقل قول ضروری است: «اگر اجازه دهیم اعمال بی‌سابقه نسل‌های جوانتر ما ادامه یابد، تمدن ما محکوم به نابودی است». این گفتاری است که بر یک لوحه باستانی کشف شده در شهر «اور» از مراکز مهم تمدن سومری که به گفته تورات، زادگاه ابراهیم نبی بود و حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد شهر آبادی بود، نقش بسته است. این جملات بازتاب عقیده‌ای نسبت به جوانان است که در هر عصری شایع است. بنابراین عقیده، جوانان هر دوره نسبت به سایر گروه‌های سنی، پابندی و تعهد اندکی به نظم اجتماعی مستقر دارند و مظهر سرکشی و طغیان علیه هنجارهای حاکم به شمار می‌روند. به بیان دیگر، این گفتار نشان از دغدغه همیشگی نسل مسن‌تر دارد و آن انتقال ارزش‌ها، باورها و هنجارهای جامعه به نسل جوان‌تر است (علیخانی، ۱۳۸۲: ۳۱۲).

جامعه امروز به سان جوامع دیگر دارای ارزش‌هایی است که نسل جدید به عللی گوناگون، ارزش‌های نسل قبل را کنار گذاشته است و یا در آن تغییراتی انجام داده و سپس آن را به عنوان ارزش‌های نسل خود برگزیده است و بر اساس آن، بنیادهای فکری و زندگی خود را پایه‌ریزی می‌کند. در این میان، می‌توان به تغییر ارزش‌ها در یک نسل نسبت به نسل پیشین در هنگامی که سبب به وجود آمدن شکاف نسلی در بین دو نسل می‌گردد، به عنوان یک معضل اجتماعی نگریست.

از آنجا که جوامع انسانی از مجموعه به هم پیوسته‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ‌ها تشکیل شده است، ارزش به عنوان یک پدیده اجتماعی، از زمان تشکیل اجتماعات اولیه تاکنون در زندگی انسان

نقش مهمی داشته و پایه و اساس بیش و کنش انسان را تشکیل داده است و در انتخاب، گزینش و انجام کنش نقش دارد.

در هر دوره از جوامع، انسان‌ها به واسطه تجارب و آموزه‌ها و امکاناتی که در اختیارشان قرار می‌گیرد، نسبت به یک دوره قبل یا پس از خود ارزش‌هایی متفاوت اختیار می‌کنند. تغییر ارزش‌ها از یک نسل نسبت به نسل گذشته، تفاوت نسلی را در پی خواهد داشت. تفاوت بین نسل‌ها امری طبیعی است که در جوامع بشری پیوسته تجربه می‌شود، اما زمانی این تفاوت نسلی مسأله ساز است که تغییر ارزشی سبب شکل‌گیری شکاف نسلی شود. شکاف نسلی نوعی تغییر در نیروهای فرهنگی است و به عبارتی، نسل جدید تجارب و آموزه‌ها را از نسل قبل گرفته، تغییراتی در آن ایجاد می‌کند. این نسل با امکانات ارتباطی گسترده‌ای که در اختیار دارد، هویت متفاوتی بر اساس تجربیات جدید نسبت به نسل قبل یافته و متناسب با فرهنگ و ارزش‌های روز وابستگی‌هایی پیدا کرده است.

در این میان، هرچه شکاف بین دو نسل عمیق‌تر و وسیع‌تر باشد، امکان فهم و درک هر نسل از نسل دیگر مشکل‌تر می‌شود و بیگانگی آنها نسبت به هم بیشتر می‌گردد، همچنانکه افراد متعلق به دو فرهنگ مختلف نمی‌توانند معنا و مفهوم افکار و اعمال یکدیگر را بفهمند (پناهی، ۱۳۸۰: ۸۴).

از آنجا که معمولاً بیشترین ارتباط دختران در خانواده با مادرانشان است و عموماً سهم مادر، به علت، حضور پررنگ‌تر او در خانواده، در اجتماعی کردن دختر بیش از پدر است، به همین دلیل دو گروه مادران و دختران به عنوان دو گروه نسلی مجزا، جامعه آماری تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند. همچنین، به

بررسی جامعه شناختی نیاز دارد.

از آنجا که جامعه ایرانی در مرحله گذار تاریخی - اجتماعی خود قرار دارد و جامعه‌ای که در مرحله گذار قرار می‌گیرد استعداد و آمادگی بیشتری را برای تولید شکاف‌های اجتماعی از جمله تفاوت‌ها و شکاف نسلی دارد، بنابراین، در جامعه در حال گذار تفاوت‌های نسلی خود را در قامت شکاف‌های نسلی نشان می‌دهند.

به علت اهمیت حفظ روابط درون خانوادگی میان والدین و فرزندان و به طور اخص مادران و دختران، توجه به مقوله شکاف نسلی در مورد ارزش‌های دینی، بین نسل جدید و نسل پیشین در خانواده حائز اهمیت است. از آنجا که روز به روز بر تعداد مبتلایان به معضل یاد شده افزوده می‌شود، به تعویق افتادن انجام تحقیق در زمینه عوامل ایجاد این شکاف، می‌تواند آثار زیانباری بر خانواده بر جای بگذارد. در واقع، در صورت بی‌توجهی به مقوله شکاف نسلی، این پدیده می‌تواند به جدایی کامل بین دو نسل منجر شود که آثار و پیامدهای منفی بسیار بیشتری را در برخواهد داشت.

پیشینه‌ها

تحقیقات داخلی

قاضی نژاد در سال ۱۳۸۳ در پایان نامه خود با عنوان "نسل‌ها و ارزش‌ها: بررسی و تحلیل جامعه شناختی تفاوت گرایش‌های ارزشی نسل جوان و بزرگسال" به شناخت و تحلیل پدیده تفاوت یا شکاف نسلی در بعد ارزش‌ها می‌پردازد. داده‌ها حاکی از آنند که هر چند برخی شباهت‌های ارزشی، به ویژه در زمینه ارزش‌های مرتبط با سطوح اجتماعی و ملی - نظیر نظم، امنیت، همکاری و توسعه - در میان سه نسل

علت اینکه ارزش مقوله‌ای است کلی و طبقه‌بندی‌های گوناگونی از آن ارائه شده است، محقق در این پژوهش درصدد است تا عوامل مؤثر بر شکاف نسلی ارزشی را با تأکید بر ارزش‌های دینی مورد توجه قرار دهد. بنابراین، شناخت ارزش‌های دینی مادران و دختران و ارائه توصیف و تحقیقی از روابط بین نسلی میان آنها در زیرمنظومه وضعیت فرهنگی جامعه حاضر بررسی خواهد شد. بنابراین، این پژوهش در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا بین ارزش‌های دینی مادران و دختران جوان آنها شکاف نسلی ارزشی حاکم است یا خیر.

اهمیت و ضرورت بحث

ارزش‌ها از جمله مفاهیم بنیادینی است که کانون توجه بسیاری از متخصصان علوم انسانی و اجتماعی، از قبیل فلسفه، اقتصاد، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و علوم سیاسی است. هرچند سطح و واحد تحلیل هر یک از علوم و دیدگاه آنها در بررسی ارزش‌ها با یکدیگر متفاوت است، اما فراگیر بودن مطالعه ارزش‌ها در تمام علوم انسانی و اجتماعی، گویای اهمیت و نقش آنها در زندگی افراد است.

ارزش‌های اجتماعی از اساسی‌ترین عناصر یک نظام اجتماعی هستند که از طریق کنترل و هدایت آنها می‌توان جامعه را به زوال و یا تعالی کشاند. در هر دوره پدیده‌هایی به علل مختلفی ارزش مثبت پیدا می‌کنند و یا ارزش خود را از دست می‌دهند. این تفاوت ارزشی نسبت به دوره گذشته را تغییر ارزشی می‌گویند که نسبت به دو نسل پیاپی از آن با عنوان شکاف نسلی، یاد می‌شود. پس می‌توان گفت که از پیامدهای شکاف نسلی تغییر ارزشی نسل جدید نسبت به نسل قبل است که قابل اغماض نبوده، به

رضا اسماعیلی در سال ۱۳۸۱، به بررسی فاصله‌گیری نسلی و تغییرات فرهنگی در جامعه شهری اصفهان پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که در برخی از موارد و موضوع‌ها، از جمله عقاید و باورها و رفتارهای مذهبی، جامعه شهری اصفهان در حالت فاصله‌گیری نسلی شدیدتری قرار گرفته است (اسماعیلی، ۱۳۸۱).

تحقیقات خارجی

محققان غیر ایرانی نیز پژوهش‌های فراوانی در خصوص شکاف نسلی و ارزش‌ها انجام داده‌اند. پل اسچوانولدت در سال ۲۰۰۵ در تحقیقی با عنوان تغییرات فرهنگی و نسلی در امارات متحده عربی به مقایسه مادران و دختران پرداخته است. بر اساس نتایج به دست آمده در این تحقیق، بیشتر مادران معتقد بودند که بنیاد خانواده‌های امروزی مثل گذشته استوار نیست و فرهنگ نسل گذشته امارات متحده عربی برای زندگی خانوادگی بهتر بوده است (اسچوانولدت، ۲۰۰۵).

بنگستون و دیگران در سال ۲۰۰۹، به مطالعه طولی انتقال بین نسلی دین پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در سال ۱۹۷۱ اجداد به طور معناداری بر حضور نوه‌ها در مراسم دینی و میزان دینداری آنها مؤثر بوده‌اند و این تأثیرات در سال ۲۰۰۰ ضعیف شده است. بر اساس این مطالعه، درجه معناداری از تأثیر دینی در طول سه نسل در خانواده وجود دارد. همچنین، دید گسترده‌ای نسبت به اجتماعی شدن دینی به وسیله اجداد به عنوان بخشی فعال در ایجاد تعصب مذهبی جوانان ارائه می‌کند (بنگستون و دیگران، ۲۰۰۹).

آکاجی و همکاران در سال ۱۹۹۹ مقاله‌ای با عنوان

وجود دارد، در خصوص شمار درخور توجهی از مقولات و جهت‌گیری‌های ارزشی - نظیر ارزش‌های مربوط به اعتقاد و پایبندی مذهبی بین سه نسل و عمدتاً بین نسل‌های سوم (جوان) و دوم (میانه) - تفاوت جدی و معنی داری وجود دارد (قاضی نژاد، ۱۳۸۳).

امیر ملکی در سال ۱۳۸۴ پایان‌نامه خود را با عنوان "بررسی نظام ارزشی جامعه ایران؛ با تکیه بر نظریه نوسازی و تغییرات فرهنگی رونالد اینگلهارت" انجام داده است. او در کار خود به تأثیر نوسازی بر نظام ارزشی جامعه ایران، در هر دو سطح خرد و کلان پرداخته است. ملکی در کار خود نتیجه می‌گیرد که در چالش بین سنت و مدرنیته، ماندگاری ارزش‌های دینی در ایران بیش از ارزش‌های سنتی خانواده است. همچنین، با اهمیت‌ترین مؤلفه در سلسله مراتب نظام ارزشی در ایران، دینداری است که پس از آن انگیزه موفقیت و سپس خانواده‌گرایی قرار دارند (ملکی، ۱۳۸۴).

سعید معیدفر در سال ۱۳۸۳ در مقاله خود با عنوان "شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران)" به بررسی مفاهیم شکاف، گسست، انقطاع و تفاوت نسلی می‌پردازد. او به منظور آزمون فرضیه‌های خود، داده‌های دو طرح ملی تحول ارزش‌ها و نگرش‌ها را در سال‌های ۷۹ و ۸۲ بررسی کرده است. محقق براساس یافته‌های این دو طرح، نتیجه‌گیری کرده که در هر سه حوزه ارزش‌های دینی، سیاسی و اجتماعی، در برخی زمینه‌ها تفاوت آشکاری میان جوانان و بزرگسالان مشاهده نمی‌شود و در برخی زمینه‌ها نه تنها تفاوت زیادی در میان آنها دیده می‌شود، بلکه این تفاوت در طی زمان بیشتر نیز شده است (معیدفر، ۱۳۸۳).

مروری بر رویکردهای نظری در حوزه شکاف نسلی
 شکاف نسلی به عنوان مفهومی که تفاوت معناداری را در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات، جهت گیری های ارزشی و الگوهای رفتاری میان دو یا چند نسل همزمان در یک جامعه مورد توجه قرار می دهد، موضوع بحث دیرینه و مشترک میان علمای اجتماعی، به ویژه روان شناسان، روان شناسان اجتماعی، مردم شناسان فرهنگی، علمای سیاسی و نیز جامعه شناسان بوده است. در خصوص موضوع شکاف نسلی نظریات متفاوتی ارائه شده است. جامعه شناسان با استفاده از دو رویکرد جامعه شناختی خرد و کلان به بررسی این موضوع پرداخته اند.

جامعه شناسانی که دیدگاه کلان را اتخاذ کرده اند، غالباً با توجه به بحث تغییرات و تحولات اجتماعی - فرهنگی به بررسی موضوع شکاف نسلی پرداخته اند. اصولاً در دیدگاه جامعه شناختی کلان، اعتقاد بر این است که تحولات سریع اجتماعی - فرهنگی به معنای وسیع آن، عامل اساسی و مؤثر در ایجاد شکاف میان نسل هاست.

دیدگاه خرد متمرکز بر بررسی روابط بین نسلی در سطح خانواده متمرکز است. بر این اساس، جامعه شناسانی که دیدگاه جامعه شناسی خرد را اتخاذ کرده اند، مطالعات خود را روی روابط بین نسلی درون خانواده متمرکز می کنند. در این راستا، می توان از مقاله دکتر پناهی (۱۳۸۳) با عنوان «شکاف بین نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن» نام برد که به صورت خرد به بررسی یک متغیر بر روی مقوله شکاف نسلی پرداخته اند.

در این قسمت پس از تعریف مفاهیم، نظریه های مرتبط با موضوع تحقیق حاضر در حوزه جامعه شناسی کلان بررسی می شوند.

"جامعه پذیری عقاید دینی" به رشته تحریر درآوردند. آنها در این مقاله، مدل دو مرحله ای گودنو را به منظور بررسی توافق بین نسلی در مورد جامعه پذیری عقاید دینی والدین به کار بردند. صحت احساسات جوانان از عقاید والدینشان با درجه ای که والدین می خواستند فرزندانشان را با ایمان خود سازگار کنند و آنها را در فعالیت های دینی مشغول نمایند و همچنین، با رویکردهای گوناگونی که برای تشویق به توسعه ایمان فرزندانشان به کار می بردند، رابطه دارد. عقاید جوانان تابعی از عقاید والدین، صحت احساسات آنها از عقاید والدین و تمایل آنها برای سهم شدن در عقاید والدین خود بود (اکاجی و همکاران، ۱۹۹۹).

جمع بندی پیشنهادها

در مورد معضل تغییر ارزش ها بین نسل ها و ایجاد شکاف نسلی تحقیقات فراوانی در جوامع آماری مختلف و بین نسل های متفاوت صورت گرفته است. از جمله مهمترین وجه تمایز تحقیق حاضر با اکثر پژوهش های مورد بررسی، جامعه آماری آن است. محقق در این تحقیق سعی دارد به بررسی معضل شکاف نسلی ارزشی در بین دو نسل مادران و دختران در شهر مشهد بپردازد. بر اساس جستجوهای انجام شده، در سال ۱۳۷۶ تحقیقی به منظور بررسی سلسله مراتب ارزشی در میان پدران و پسران در شهر مشهد انجام شده است. بنابراین، اطلاعات روزآمدی مربوط به شکاف نسلی ارزشی در جامعه آماری مزبور وجود ندارد. همچنین، در اکثر قریب به اتفاق تحقیقات انجام شده در حوزه شکاف نسلی ارزشی از روش کمی استفاده شده است؛ بنابراین، وجه تمایز دیگر این پژوهش با تحقیقات پیشین، استفاده از روش تحقیق کیفی است.

تفاوت نسلی

تفاوت نسلی به معنای قبول حضور همزمان سه نسل مستقل مرتبط با یکدیگر در متن اجتماعی و فرهنگی است. هر نسلی با توجه به درک و فهمی که از اوضاع و موقعیت‌های پیرامونی دارد، هویت مستقل یافته، در عین حال نیز به لحاظ حضور همزمان رابطه تعاملی پیدا می‌کند (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۵۶، الف؛ کاظمی پور، ۱۳۸۸: ۱۶).

شکاف نسلی

شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری میان دو نسل با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. فرزندان در مقایسه با افراد پیر و میانسال و با اینکه در یک فضای فرهنگی زندگی می‌کنند، اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوتی دارند (آزادارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۷).

شکاف نسلی ارزشی

شکاف نسلی ارزشی عدم انتقال ارزش‌های نسل پیشین به نسل پسین و در نتیجه، عدم درک و تفاهم ارزش‌هاست که به علت تجربیات متفاوت آنها ایجاد شده است (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۷؛ پناهی، ۱۳۸۰: ۱۰۴).

ارزش

ارزش‌ها، احساسات ریشه دار و عمیقی است که اعضای جامعه در آن شریکند. این ارزش‌ها هستند که اعمال و رفتار افراد در جامعه را تعیین می‌کنند (کوئن، ۱۳۸۴: ۶۱؛ داریاپور، ۱۳۸۶: ۴؛ Whitbeck et al, 1988: 830). در واقع ارزش‌ها، استانداردها یا معیارهایی برای ارزیابی اعمال و پیامدها، قضاوت

کردن درباره ایده‌ها و رفتار، طرح‌ریزی و هدایت رفتار، تصمیم‌گیری بین شقوق، مقایسه کردن خود با دیگران و مدیریت کردن تعاملات اجتماعی و ارائه آن به دیگران را فراهم می‌کنند (Cileli and Tezer, 1998).

رویکرد تغییرات اجتماعی مارگارت مید

مارگارت مید، مردم‌شناس معروف، در کتاب خود با عنوان "فرهنگ و تعهد: مطالعه‌ای در شکاف نسل‌ها" (۱۹۷۰)، به بحث شکاف نسل‌ها پرداخته است. او با بررسی حرکت‌های جمعی دانشجویی در دهه ۱۹۶۰ در غرب، ادعا کرد که علت رفتارهای غیر متعارف و ضد فرهنگ جوانان، وجود فاصله نسلی بین آنهاست است که قبل و پس از جنگ جهانی دوم متولد و بزرگ شده‌اند. به نظر مارگارت مید، کسانی که پس از جنگ جهانی دوم بزرگ شده‌اند، در جهانی زندگی خود را شروع و تجربه کرده‌اند که کاملاً با دنیای قبل از آن، متفاوت است. به همین جهت، نسل تاریخی قبل از جنگ دوم، به تاریخ پیوسته، دیگر هرگز تکرار نخواهد شد، زیرا آنان در دنیای بدون بمب اتم، تلویزیون، ماهواره و رسانه‌های جمعی جهانی، بدون رایانه و فضاپیماهای ماه نورد و بدون بسیاری دیگر از وسایل مدرن، بزرگ شده‌اند و در نتیجه، تجربه نسل جدید را نمی‌توانند درک کنند. نتیجتاً فاصله نسلی عمیقی بین نسل‌های قبل و نسل پس از جنگ دوم در کشورهای غربی و سپس در دیگر کشورها به وجود آمده است که همانند آن نه هرگز بوده و نه تکرار خواهد شد (پناهی، ۱۳۸۰: ۸۴-۸۵).

بنابراین، مید علت ایجاد شکاف نسلی را ناشی از تغییرات اجتماعی وسیع و عمیقی می‌داند که در دنیا اتفاق افتاده است و دنیا را وارد مرحله جدیدی از

بنابراین، هر یک از دو نسل والدین و فرزندان در دو دنیایی متفاوت زندگی می کنند.

۳- جوامع و فرهنگ های یادگیری^۴ یا به تعبیر مید جوان گرا^۵؛ سومین الگوی جامعه و فرهنگ از نظر مید است که در آن، جامعه دگرگونی های بسیار شدیدی را تجربه می کند و در وضع جدید، نسل گذشته نه تنها نمی تواند الگوی نسل جدید باشد، بلکه باید تداوم حیات ارزش ها و هنجارهای قدیم خود را بر مبنای فرهنگ نسل بعد اصلاح کند و دست به اجتماعی شدن مجدد بزند و بسیاری از چیزها را از فرزندان خود بیاموزد (پناهی، ۱۳۸۰: ۸۶).

رویکرد مانهایمی نسل های تاریخی

سابقه توجه به ویژگی کلان و تاریخی^۶ تغییرات اجتماعی مرتبط با ظهور نسل های نو، به مانهایم، متفکر آلمانی دهه ۳۰-۱۹۲۰ و بررسی «مسأله نسل ها»^۷ به وسیله وی برمی گردد. به عقیده مانهایم، نسل محل ظهور و نیز تداوم جهت گیری های فکری و فرهنگی جدیدی است که در زمینه اجتماعی - تاریخی ویژه ای، که هر نسل معینی در آن رشد کرده است، ریشه دارد. این جهت گیری ها به شکل اهداف، نیات^۸ و راه حل های نو برای فشارها و مشکلات حیاتی زندگی، به صورت به اصطلاح سبک نسلی^۹ ظاهر می شود (قاضی نژاد، ۱۳۸۳: ۳۱).

در این خصوص، شومن و اسکات یادآور شده اند این که هر نسل، نشان خاص وقایع اجتماعی و سیاسی دوره جوانی خود را بر چهره دارد، نظریه ای

رشد و تحول نموده است، زیرا چنین تغییراتی، فرآیند مداوم و آرام انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر را دچار وقفه و مشکل می کند و بین دو نسل اختلاف تجربه و فرهنگ ایجاد می نماید. مارگارت مید در این خصوص سه نوع متفاوت فرهنگ را از هم متمایز می کند:

۱- جوامع یا فرهنگ های سنتی که مید آنها را نیاکان گرا^۱ می نامد: جامعه ای که در آن دگرگونی اجتماعی بسیار کند و تدریجی بوده، اقتدار از گذشته (سنت) سرچشمه می گیرد و گذشته بزرگسالان، آینده هر نسل جدید است. در واقع آینده کودکان به شیوه ای شکل می گیرد که آنچه پس از دوران کودکی برای پیشینیان آنها پیش می آمد، همان چیزی است که آنها نیز پس از رسیدن به مرحله بلوغ، تجربه خواهد کرد (Mead, 1970: ch. 1.).

۲- جوامع و فرهنگ های انتقالی^۲ که مید آن را همسال گرا^۳ می نامد: فرهنگ همسال گرا فرهنگی است که در آن مدل غالب برای اعضای جامعه، رفتار معاصران آنهاست. به عبارت دیگر، کودکان و بزرگسالان، همسالان خود را الگو قرار می دهند (Mead, 1970: ch. 2.).

در واقع، در جوامعی که دچار تغییر و تحول می شوند، شرایط اجتماعی به گونه ای دگرگون می شوند که دیگر نسل گذشته، مدل مناسبی برای زندگی نسل بعد نمی تواند باشد و هر دو نسل می پذیرند که وضع زندگی آنان نمی تواند مشابه هم باشد (پناهی، ۱۳۸۰: ۸۶). در این حالت، جوانان و بزرگسالان، تفاوت رفتار هر نسل از رفتار نسل قبلی خود را «طبیعی» می دانند (Mead, 1970: ch. 2.).

¹ Postfigurative

² Transitional Culture

³ Configurative

⁴ Learning Culture

⁵ Prefigurative

⁶ Macro Historical

⁷ problems of generations

⁸ Intentionality

⁹ Generation Style

رویکرد تغییرات فرهنگی اینگلهارت

رونالد اینگلهارت که باید او را بیشتر یک جامعه‌شناس تجربه‌گرا دانست، با داعیه تلفیق جامعه‌شناسی نظری وبر و مارکس، برای فهم حوادث و اتفاقات در جهان معاصر به طرح مدل جدیدی در فهم ماهیت تغییر اجتماعی جامعه معاصر صنعتی اقدام کرد. اینگلهارت با نقادی اقتصاد سیاسی و بنیادهای نظری کارل مارکس و ماکس وبر مبانی نظری خویش را پی‌ریزی نموده، پس از آن به عنوان جامعه‌شناس دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به بحث و بررسی جامعه‌شناسانه درباره تغییرات اجتماعی با تأکید بر نسل پرداخت. در این اوضاع است که در جهان، در میان مجموعه حوزه‌های جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی نسلی شکل گرفت و مانند دیگر حوزه‌های جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسان به بحث و بررسی و تحقیقات اجتماعی پرداختند. به نظر می‌آید اصلی‌ترین چهره تحقیقاتی «جامعه‌شناسی نسلی» در امریکا رونالد اینگلهارت است تا تغییر ارزش‌ها را با توجه به عنصر نسلی بررسی کند (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۴۵، ب).

اینگلهارت معتقد است دگرگونی فرهنگی تدریجی است؛ و آن بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده است. از این‌رو، ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های قبل از جنگ، کاملاً گسترده‌اند در حالی که گرایش‌های ارزشی جدید تا حد زیادی در میان نسل‌های جوان‌تر نفوذ داشته است و بنابراین، با جایگزین شدن نسل‌های جوانتر به جای نسل‌های بزرگتر، فرهنگ و جهان بینی متداول در این جوامع دگرگون شده است. اینگلهارت اظهار می‌دارد که اکنون این دگرگونی‌های فرهنگی هستند که مسیر جوامع پیشرفته صنعتی را هدایت کرده‌اند و از اهمیت رشد اقتصادی به منزله

است قدیم که امروزه در غالب موارد با نام مانهایم (۱۹۵۲ و ۱۹۲۸) شناخته می‌شود. به عقیده مانهایم، نسل یک آفرینش اجتماعی^۱ و نه یک ضرورت بیولوژیک است. او پیدایش نسل به معنای اجتماعی را با تغییر اجتماعی و سرعت آن مرتبط می‌داند و معتقد است، جایی که حوادث تازه، کمیاب است و تغییر به کندی صورت می‌گیرد، مانند جوامع سنتی دهقانی، نسل مجزا ظاهر نمی‌شود. تنها هنگامی که در جایی حوادثی زیاد و سریع رخ دهند، به گونه‌ای که یک گروه نسلی^۲ بر حسب آگاهی تاریخی - اجتماعی خود مشخص شود، از یک نسل حقیقی می‌توان سخن گفت (shcuman & scott, 1989: 359).

البته، نظریه نسلی مانهایم با وجود تأکید بر این که ماهیت نسل به طور اجتماعی ساخته می‌شود، دربردارنده مفهوم دوره زندگی^۳ نیز هست. مقاله وی، درباره نقطه زمانی‌ای که در آن یک گروه نسلی شروع به رشد و توسعه یک نقش نسلی منحصر به فرد می‌کند، کاملاً واضح و آشکار نیست، اما به نظر می‌رسد وی سن هفده سالگی، گاه کمی زودتر و برخی اوقات اندکی دیرتر را در این خصوص معین می‌کند، و پیشتر نیز گفته است که سن ۲۵، ممکن است نقطه پایان شکل‌گیری نسل به صورت عمده آن باشد. مانهایم و اغلب نویسندگان پس از وی، فرض کرده‌اند که اواخر نوجوانی و اوایل جوانی «سال‌های شکل‌گیری»^۴ هستند که طی آن، دیدگاه‌های شخصی مجزا و متمایز درباره سیاست، شکل می‌گیرد (همان، ۳۶۱).

¹ Social creation

² cohort

³ Life Course

⁴ Formative years

اینگلهارت درباره مفهوم نسلی کم سخن گفته است، اما به نظر می‌رسد در چیزی همانند دیدگاه مانهایمی نسل به عنوان گروهی^۱ از افراد که محیط آغازین مشترکی را تجربه می‌کنند که تأثیراتی دیرپا^۲ بر آنان دارد، سهیم است. تغییر ارزشی به این معنا، جریان اجتماعی است که از طریق جایگزینی نسل، ایجاد می‌شود و به واسطه این جایگزینی است که اساساً توسعه اجتماعی گسترده، دیدگاه‌های فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۶).

تئوری اینگلهارت، به طور ضمنی دلالت دارد بر این که یک تأخیر چند ساله، پیش از آنکه تغییر در جهت‌گیری‌های ارزشی نگرش‌های افراد ظاهر شود، وجود خواهد داشت. از این رو، بر طبق این تئوری، تبیین تغییر ارزش‌ها باید روی شرایط حاکم بر حدود سی و حتی پنجاه یا شصت سال قبل، صورت بگیرد. به همین دلیل، انقلاب آرام، از اولویت‌های ارزشی بین نسل‌های مسن‌تر و جوانتر سرچشمه می‌گیرد؛ به گونه‌ای که جایگزینی نسل‌های جوانتر به جای نسل‌های پیرتر، به تغییر آرام اما مستمر و یکنواخت در خصلت فرهنگی یک جامعه منجر می‌گردد (قاضی نژاد، ۱۳۸۳: ۴۳).

سنخ‌شناسی ارزش‌ها از دیدگاه آلپورت

آلپورت بر اساس علایق مسلط و ترجیحات افراد در موقعیت‌های مختلف، ارزش‌ها را به شش دسته تقسیم می‌کند:

- ۱- نظری؛ که معطوف به حقیقت جویی است؛
- ۲- اقتصادی؛ که به امور مادی و مالی معطوف است؛

مهمترین هدف جامعه، کاسته و به کاهش معیارهای اقتصادی به منزله معیار بی‌چون و چرای رفتار عقلانی، منتهی شده‌اند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱-۲).

در واقع، اینگلهارت تغییر فرهنگی را اساساً همان تغییر ارزشی می‌پندارد که در جوامع صنعتی شده غربی، پیامد کم و بیش غیر ارادی پیشرفت اجتماعی - اقتصادی است. به اعتقاد او، پیشرفت اقتصادی افزایش یافته، به برآوردن بهتر نیازهای بنیانی در سال‌های شکل‌گیری افراد (سال‌های آخر نوجوانی) منجر می‌شود که به نوبه خود به ارزش‌های مادی‌گرایانه کمتری از نسلی به نسل دیگر منجر می‌گردد (Boehnke, 2001).

اینگلهارت رابطه امنیت اقتصادی و افول هنجارهای مذهبی را بررسی می‌کند. وی یکی از عوامل مؤثر بر کاهش ارزش‌های سنتی در جامعه پیشرفته صنعتی را افزایش احساس امنیت می‌داند که این امر نیاز به هنجارهای مطلق را کمرنگ می‌کند. افراد تحت فشارهای روانی به مقررات قابل پیش‌بینی و خشک نیاز دارند، آنها نیاز دارند که از آنچه روی می‌دهد، اطمینان حاصل کنند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۴۵).

به نظر اینگلهارت، افزایش امنیت سبب نوعی تغییر ارزش به سمت ارزش‌های سکولار، تحمل بیشتر، اعتماد، آسایش ذهنی و دید فرامادی می‌گردد و در حالی که اضمحلال اقتصادی و اجتماعی جامعه را در جهت مخالف سوق می‌دهد، از لحاظ نظری افزایش سطح امنیت وجودی، عامل اصلی در تغییر ارزش‌های بین نسلی است، زیرا نسل‌ها یک حافظه جمعی دارند که در سنین اولیه زندگی آنان شکل می‌گیرد. بنابراین، انتظار تفاوت اساسی بین ارزش‌های جوانان و سالمندان در جایی که شاهد رشد حس امنیت باشیم، وجود دارد (همان، ۴۶).

¹ Aggregation

² Lasting effects

مکانیستی نسل‌های تاریخی این است با اینکه نسل جوانتر، ارزش‌ها، نگرش‌ها و تمایلات خود را از نسل مسن‌تر دریافت می‌کند، اما ارزش‌های یادشده را اصلاح و تعدیل می‌کند.

آپورت، در تعریف ارزش مذهبی به باورها و رفتارهای دینی توجه دارد. منظور از جهت‌گیری مذهبی درون دینی، بعد اعتقادی یا باور دینی است و منظور از جهت‌گیری برون دینی، بعد مناسکی یا اعمال و رفتارهای دینی است. به نظر اینگلهارت با جایگزین شدن نسل‌های جوانتر به جای نسل‌های بزرگتر، فرهنگ و جهان بینی متداول در این جوامع دگرگون شده است.

روش تحقیق

گردآوری داده‌ها در پژوهش کیفی به شیوه‌های گوناگونی انجام می‌گیرد و پژوهشگر با توجه به مسأله پژوهش و راهبردی که برای اجرای پژوهش انتخاب کرده است، از روش‌های گوناگونی، مانند مصاحبه، مشاهده، بررسی اسناد و پیشینه‌ها برای گردآوری داده‌های مورد نیاز استفاده می‌کند. بهترین رویکرد گردآوری داده‌ها در مورد پژوهش، رویکردی است که داده‌های حاصل از آن، در پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش و تحقق اهداف مطالعه، بهترین کارکرد را داشته باشد (حریری، ۱۳۸۵: ۱۴۵). با توجه به این امر، مصاحبه بهترین رویکرد انتخابی پژوهش حاضر است. پژوهشگر از میان انواع گوناگون مصاحبه، از مصاحبه نیمه ساخت یافته استفاده کرده است. این نوع مصاحبه، با استفاده از راهنمای مصاحبه صورت می‌گیرد؛ یعنی فهرستی از سؤال‌ها و موضوع‌های مکتوبی که باید در یک توالی خاص دنبال شوند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۶۱). با اینکه روش مصاحبه در جامعه‌شناسی برای سنجش ارزش‌ها، به علت نیاز به

۳- زیباشناختی یا هنری؛ که معطوف به شکل و هماهنگی است؛

۴- اجتماعی؛ که معطوف به امور اجتماعی و روابط افراد است؛

۵- سیاسی؛ که به قدرت توجه دارد؛

۶- مذهبی؛ که به باورها و رفتارهای دینی توجه دارد (طالبی، ۱۳۸۷).

آپورت و راس تمایز بین دو جهت‌گیری مذهبی را به روشنی بیان کردند. آنها به ابداع مقیاسی برای سنجش جهت‌گیری دینی در دو بعد جهت‌گیری درون دینی و برون دینی در سال ۱۹۷۶ اقدام نمودند، که بعدها بسیاری از اندیشمندان علوم رفتاری از این مقیاس برای سنجش باورهای دینی استفاده نمودند. منظور از جهت‌گیری مذهبی درون دینی بعد اعتقادی یا باور دینی است که خود مشتمل بر ایده‌ها و نگرش‌هایی است که انتظار می‌رود پیروان یک آیین به آن اعتقاد داشته باشند، مانند اعتقاد به خدا، بهشت و جهنم. منظور از جهت‌گیری برون دینی، بعد مناسکی یا اعمال و رفتارهای دینی است. همان‌امالی است که پیروان یک دین آن را به جا می‌آورند، مانند نماز، روزه، حج رفتن در مذهب اسلام (لهسایی زاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۵۱).

جمع‌بندی رویکردهای نظری

در پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن شکاف نسلی ارزشی، تئوری‌های مرتبط با شکاف نسلی و ارزش به طور جداگانه مطرح شدند. مید علت ایجاد شکاف نسلی را ناشی از تغییرات اجتماعی وسیع و عمیقی می‌داند که در دنیا اتفاق افتاده است و دنیا را وارد مرحله جدیدی از رشد و تحول نموده است. او در این خصوص سه نوع متفاوت فرهنگ (سنتی، انتقالی، یادگیری) را از هم متمایز می‌کند. مدعای رویکرد

چون رشته تحصیلی، محل زندگی و منطقه جغرافیایی پاسخگو صورت گرفته است. بنابراین، نمونه مورد مطالعه در این پژوهش بر اساس نمونه گیری هدفمند^۱ انتخاب شده است. به این ترتیب با استفاده از نمونه گیری هدفمند با ۳۰ مادر و دختر (۱۵ زوج) مصاحبه انجام شد. برای انجام مصاحبه، در مرحله اول با دختران مصاحبه کرده، در مرحله بعد به سراغ مادران این دختران رفتیم و با آنها نیز مصاحبه کردیم. تعداد مصاحبه‌ها تا آنجا ادامه یافت که اطلاعات به حد اشباع رسید. حد اشباع وقتی است که داده‌ها شروع به تکرار شدن کنند و دیگر نکته تازه‌ای به دست نیاید.

پایایی و روایی در مطالعات کیفی

در تحقیقات کمی پایایی یا تکرارپذیری به معنای آن است که بتوان مطالعه‌ای را چنان تکرار کرد که یافته‌های مطالعه اصلی در مطالعات بعدی نیز به دست آیند، اما تحقیق کیفی مدعی تکرارپذیری به معنای فوق نیست. قابلیت تکرار را این‌گونه نیز می‌توان تعبیر کرد:

با در نظر گرفتن نگرش نظری مشابه همان محقق اصلی و تعقیب قواعد کلی گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل، به اضافه سایر شرایط مشابه، محقق دیگری باید قادر باشد درباره همان پدیده به توضیحات نظری یکسان برسد و اگر تعارض‌هایی پیش آید، می‌توان آنها را از طریق بازنگری داده‌ها و شناسایی شرایط گوناگونی که ممکن است در هر کدام از موارد عمل کند، حل نمود (استراوس و کوربین، ۱۳۸۷: ۲۴۹). بدین معنی می‌توان دختران جوان نسل قبل را مطالعه کرد و ارزش‌های دینداری آنها را نسبت به مادرانشان سنجید و تحقیق را تکرار کرد.

زمان، نیرو و امکانات مالی بسیار برای اجرای آن کمتر در اولویت قرار دارد (توکلی، بی.تا: ۱۳۹)، محقق به منظور بررسی عمیق‌تر شکاف ترجیح داد که از راهکار مربوطه استفاده کند.

هدف پژوهشگر در استفاده از روش کیفی، تدوین نظریه نیست و به همین علت از راهکار مقوله‌بندی استفاده می‌کند. «مقوله‌بندی به خلاصه کردن مفاهیم در قالب مفاهیم عام و آشکار کردن روابط میان مفاهیم اطلاق می‌شود» (فلیک، ۱۳۸۸: ۳۳۰).

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری مطالعه حاضر مادران و دختران در شهر مشهد را در بر می‌گیرد که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۱۲۰۳۴۷۶ نفر هستند. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، دختران ۱۸ تا ۲۹ ساله ساکن مشهد و مادرانشان هستند. انتخاب این گروه سنی برای دختران، به علت قرار گرفتن آنها در دروه سنی جوانی است. در واقع، «علاوه بر شاخص‌های زیست‌شناختی و مراحل بلوغ فکری که در فرآیند انتقال از کودکی به نوجوانی و جوانی دخیل است، جوانی را می‌توان مفهومی تصور کرد که زاییده تعاملات اجتماعی جوانان با جامعه و برعکس است. بدین‌سان شأن و منزلت گروه‌های سنی مختلف نیز اساساً واقعیتی است که در اجتماع ساخته می‌شود. تصور از جوانان به مثابه یک مقوله و جوانی به مثابه چارچوب و قالب آن، احتمالاً در پاسخ به مسائل و واقعیاتی شکل می‌گیرد که در کنترل دنیای بزرگسالان است. از آنجا که جوانی به مثابه یک مقوله و قالب اجتماعی متأثر از روابط پیچیده اجتماعی و نهادهای جامعه است، هر گونه استنباط و تفسیر از جوانان، مستلزم توجه به نگرش بزرگسالان است» (ذکائی، ۱۳۸۷: ۲۶-۲۵).

نمونه‌گیری این پژوهش، با توجه به ویژگی‌هایی

^۱ Purposive Sampling

اعتقاد به خدا

همه پاسخگویان (دختران و مادرانشان) به وجود خدا اعتقاد دارند. بیشتر دختران به خدای یکتا اعتقاد دارند و از خدا به عنوان «آفریدگار جهان» یاد می‌کنند که «وجود او را هر لحظه احساس می‌کنند»، اما در میان دختران کسانی هستند که بر خلاف مادرانشان با تعبیر متفاوتی از اعتقاد به خدا یاد می‌کنند.

اعتقاد به معاد

هیچ یک از پاسخگویان (دختران و مادرانشان) اعتقاد به زندگی پس از مرگ را رد نکردند و برای اعتقاد خود دلایل عقلی و نقلی گوناگونی ذکر کردند. در این میان، تنها برای دو نفر از دختران مقوله اعتقاد به معاد در حد یک فرضیه است.

اعتقاد به بهشت و جهنم

اکثر پاسخگویان (دختران و مادرانشان) با دلایل نقلی و عقلی گوناگونی اعتقاد خود را به بهشت و جهنم نشان دادند. در این میان، عده‌ای با تعبیر متفاوتی از بهشت و جهنم یاد کرده و از آن به عنوان بازتاب اعمال خود در این دنیا نام برده‌اند. با این حال، شمار اندکی از دختران و مادران، در این مورد با قطعیت پاسخ نداده‌اند.

اعتقاد به اینکه انسان‌ها صاحب روح هستند

تمام پاسخگویان (دختران و مادرانشان) اعتقاد دارند که انسان‌ها صاحب روح هستند و در این مورد با قطعیت پاسخ داده‌اند.

اعتقاد به جبر و اختیار

هجده نفر از دختران پاسخگو به جبر و اختیار توأمان با هم در جریان زندگی متعقد بودند و هفت نفر از

در رابطه با روایی، مارشال و راس من معتقدند که «پژوهشگر می‌تواند اثبات کند که تحقیق به صورت دقیق مشخص است و می‌توان آن را شرح داد یا وصف کرد. سپس تحقیق مزبور باید از نظر کسانی که واقعیت‌های اصول را شناسایی می‌کنند قابل اعتبار باشد» (مارشال و راس من، ۱۳۷۷: ۱۹۶-۱۹۷). بدین ترتیب، با مشخص کردن دقیق طرح تحقیق و محدود کردن جامعه مورد تحقیق و تعیین پارامترها (تغییر باورهای دینی، تغییر رفتارهای دینی) سعی کردیم تا روایی را در تحقیق حاضر بالا ببریم؛ ضمن اینکه در نهایت، تحقیق زیر نظر استاد راهنما به عنوان هدایتگر تحقیق انجام پذیرفته است.

یافته‌های تحقیق

در این پژوهش با ۳۰ نفر از دختران ۱۸ تا ۲۹ ساله با میانگین سنی ۲۸ سال و مادرانشان با میانگین سنی ۵۸ مصاحبه شد. حداقل تحصیلات دختران پاسخگو دیپلم و حداکثر فوق لیسانس بوده است.

حداقل تحصیلات مادران پاسخگو ابتدایی و حداکثر لیسانس بوده است. از این گروه، ۵ نفر شاغل و ۲۵ نفر خانه‌دار بوده‌اند.

به لحاظ سطح اقتصادی سه نفر دارای حقوق یک میلیون به بالا و بقیه زیر این رقم درآمد داشته‌اند.

در طول گفتگو با مصاحبه شونده‌گان در مورد مقوله‌های مختلفی در زمینه ارزش‌های دینی صحبت شد که محقق آنها را در دو گروه باورهای دینی و رفتارهای دینی قرار داده و سنجیده است.

باورهای دینی

در زمینه باورهای دینی، سخنان گوناگونی با پاسخگویان گفته شد که نتایج آن در قالب مقوله‌های زیر ارائه می‌شود:

دارند و دلایل عقلی و نقلی برای این اعتقاد خود ذکر می‌کنند.

اعتقاد به اینکه قرآن کلام خداست

بیش از نیمی از پاسخگویان دختر باور دارند که قرآن کلام خداست. سه نفر از دختران معتقدند که قرآن کلام خدا نیست و برای دو نفر این قضیه مهم نبوده، دنبالش نیستند. یک نفر از پاسخگویان دختر می‌گوید که تحریفاتی در قرآن صورت گرفته و در حال مطالعه است.

در این میان، همه مادران به این باور که قرآن کلام خداست، اعتقاد دارند و تنها دو نفر از میان آنها معتقدند که احتمال تحریف شدن قرآن وجود دارد.

اعتقاد به استخاره

بیش از نیمی از دختران پاسخگو به استخاره اعتقاد دارند و برای خودشان تعاریفی از این باور دارند، اما بقیه دختران معتقدند تا وقتی عقل هست، استخاره معنی ندارد و به آن اعتقاد ندارند.

در میان مادران تنها سه نفر هستند که به استخاره گرفتن اعتقادی ندارند.

اعتقاد به حجاب

بیش از نیمی از دختران پاسخگو به حجاب اعتقاد داشتند و با تعابیر مختلفی اعتقاد خود را نشان می‌دادند. در عین حال، دیگر پاسخگویان دختر معتقد بودند که حجاب جزو باورهایی است که می‌تواند بنا بر شرایط عوض شود و اگر حجاب را کمابیش رعایت می‌کنند، به خاطر عرف جامعه است.

در این میان، تنها سه نفر از مادران پاسخگو با دختران خود همراهی کرده، حجاب را به شکل مرسوم نقد می‌کنند.

آنها اعتقاد داشتند که اختیار انسان‌ها بیشتر از جبر است و ۵ نفر به جبر بیشتر از اختیار معتقد بودند. در حالی که در میان مادران ۱۱ نفر به کنار هم قرار گرفتن جبر و اختیار معتقد بودند، ۵ نفر انسان را مختار می‌دانستند و ۱۴ نفر از آنها نیز معتقد بودند که سرنوشت از پیش تعیین شده است.

اعتقاد به شیطان

بیش از نیمی از دختران پاسخگو باور به شیطان را با وجود دلایل نقلی و عقلی بیان کرده‌اند، اما دیگران آن را یک امر درونی می‌دانستند که بخشی از وجود انسان است.

در حالی که تعداد بیشتری از مادران به وجود مخلوقی به نام شیطان اعتقاد دارند، تنها ۴ نفر از آنها باورشان به این قضیه با بقیه متفاوت است.

اعتقاد به وجود جن

اکثر پاسخگویان دختر با استناد به قرآن و روایات، وجود جن را تأیید کرده، به آن باور دارند. در حالی که عده‌ای با اینکه برای وجود آنها به متون دینی اشاره می‌کنند و اعتقاد به جن را رد نمی‌کنند، ولی به آن با دیده شک می‌نگرند. تعدادی هم به طور کلی وجود آنها را منکر می‌شوند.

در این میان، همه مادران پاسخگو به وجود مخلوقی به نام جن باور دارند.

اعتقاد به وجود و ظهور امام زمان

بیش از نیمی از پاسخگویان دختر به وجود و ظهور امام زمان اعتقاد دارند. ۴ نفر از آنها هیچ اعتقادی ندارند و ۲ نفر دلیلی برای اعتقاد داشتن پیدا نمی‌کنند و این اعتقاد برا سخت می‌دانند.

در عین حال، همه مادران پاسخگو به منجی اعتقاد

اعتقاد به چادر

در حالی که بیش از نیمی از دختران از چادر برای پوشش خود استفاده می‌کردند، تنها چهار نفر از آنها با انتخاب خود این پوشش را برگزیده بودند. دیگران تحت تأثیر تشویق اطرافیان، به خصوص مادرانشان به پوشیدن چادر ترغیب شده بودند.

۲۵ نفر از مادران پاسخگو از چادر برای پوشش خود استفاده می‌کنند که تنها دو نفر از میان آنها بیان می‌کنند که این پوشش را به انتخاب خود برگزیده‌اند. بقیه آنها نیز تحت تأثیر محیط خانواده چادری شده بودند. از میان مادران پاسخگو ۱۴ نفر برای دخترانشان بر پوشیدن چادر تأکید می‌ورزیدند.

اعتقاد به مقوله محرم و نامحرم (دست دادن)

در حوزه باور به محرم و نامحرم، اکثر دختران معتقدند که دست دادن با مردان نامحرم کاری خلاف شرع است و چون خلاف دین اسلام است، این کار را انجام نمی‌دهند، در حالی که دیگران این گونه فکر نمی‌کنند.

بیشتر مادران نیز این کار را فعلی حرام می‌دانند. در میان مادران، شماری از آنها این عمل را وابسته به فرهنگ جامعه می‌دانند.

رفتارهای دینی

نتایج گفتگو با پاسخگویان (دختران و مادرانشان) در زمینه باورهای دینی در قالب مقوله‌های زیر ارائه می‌شود:

نماز خواندن

اکثر دختران پاسخگو نماز می‌خوانند. هر چند کارشان از روی عادت باشد یا بر حسب وظیفه آن را انجام دهند. تنها چهار نفر از دختران پاسخگو نماز

نمی‌خوانند.

تمام مادران یا به خاطر رسیدن به آرامش و یا از سر وظیفه نماز می‌خوانند.

خواندن نماز به جماعت

به جز پاسخگویانی که اصلاً اعتقادی به نماز ندارند، تنها چهار نفر از پاسخگویان اظهار می‌دارند که دوست ندارند نماز را به جماعت بخوانند. این یا به خاطر بی‌اعتمادی آنها به امام جماعت است، یا به خاطر جو مسجد و یا مکان‌هایی را که نماز جماعت در آنها برپا می‌شود، دوست ندارند.

از بین مادران پاسخگو، تنها چهار نفرشان ترجیح می‌دهند نمازشان را به جماعت نخوانند.

رفتن به مجالس مذهبی

بیش از نیمی از پاسخگویان در مجالس مذهبی کمابیش شرکت می‌کنند و تنها ۸ نفر از میان آنها از شرکت در این مجالس اظهار ناراضایتی کرده‌اند.

اکثر مادران با کمال میل یا به طور مستمر یا چند وقت یک بار در این جلسات شرکت می‌کنند و تنها سه نفر از آنها در این مجالس شرکت نمی‌کنند.

روزه گرفتن

اکثر پاسخگویان (دختران و مادرانشان) روزه را امری واجب می‌دانند و بر آن تأکید دارند، در حالی که تعداد اندکی از آنها به روزه گرفتن اعتقادی ندارند و به آن پایبند نیستند.

قرآن خواندن

همه پاسخگویان اظهار می‌دارند که کمابیش اهل قرآن خواندن هستند. برخی ترجیح می‌دهند که معنی آن را بخوانند و برخی متن عربی را. شمار کمی از آنها در

گذشته بیشتر قرآن می خوانده اند و اکنون به علت اینکه احساس نیاز نمی کنند یا داشتن مشغله، کمتر می خوانند.

دیگران اظهار می دارند که نیازی به داشتن آن ندارند. در میان مادران تنها یک نفر است که داشتن مرجع تقلید را قبول ندارد.

امر به معروف و نهی از منکر کردن

در حالی که بیش از نیمی از پاسخگویان (دختران و مادرانشان) انجام امر به معروف و نهی از منکر را از امور واجب می دانند، با این حال، اکثر آنان لازمه انجام این کار را وجود شرایطی می دانند و چون خود را واجد آن شرایط نمی دانند، این کار را انجام نمی دهند یا انجام آن را محدود به اعضای خانواده شان می کنند.

به این ترتیب، در پژوهش حاضر، تجزیه و تحلیل داده ها در طی فرایندی انجام شد که در آن داده ها گردآوری و مرتب شد؛ بدین معنی که پس از هر مصاحبه، آن مصاحبه تجزیه و تحلیل شد و مفاهیم و مقولاتی که ضمن کدگذاری اولیه و متمرکز مشخص می شدند، در مصاحبه های بعدی مورد توجه قرار گرفتند.

داشتن مرجع تقلید

در حالی که بیش از نیمی از دختران پاسخگو مرجع تقلید دارند - خواه به آن رجوع کنند یا نکنند-

در این مرحله سعی می شود مفاهیم یا کدهایی نوشته شوند که با واحد مورد نظر منطبق باشند.

کدگذاری اولیه یا سطح اول

کدبندی اولیه (دختران)

نمونه ای از عبارات ذکر شده از سوی پاسخگویان	مفهوم یا کد اولیه	تعداد	درصد
اعتقاد به خدا در دل و ذات همه است؛ حتی اقوام بدوی هم به یک منبع ماوراءالطبیعه باور داشته اند.	اعتقاد به خدا	۳۰	۱۰۰
اگر زندگی پس از مرگ وجود نداشت، آفرینش هم بی معنا می شد. اگر انسان در یک زمان وجود داشته باشد و سپس به کلی نابود شود و دیگر اثری از او نباشد، پس چرا آفریده شده است؟	اعتقاد به معاد	۲۸	۹۳
در این مورد هنوز به قطعیت نرسیده ام. فکر می کنم اگر در این دنیا به تکاملی نرسیم حیات دیگری وجود خواهد داشت که البته هنوز برایم یک فرضیه است.	عدم اعتقاد به معاد	۲	۷
لازمه عدل خداست که یک جایی آدم ها به نتیجه واقعی اعمال و رفتارشان برسند.	اعتقاد به بهشت و جهنم	۲۸	۹۳
به بهشت و جهنم اعتقاد ندارم؛ به کارما معتقدم. یعنی بازتاب عمل و افکار و نیت هایمان را در این دنیا دریافت می کنیم.	اعتقاد نداشتن به بهشت و جهنم	۲	۷
نمی توانم انسان را با آن همه احساس و ذهن و اندیشه اش فقط ماده بدانم. روح و جسم از هم جدایی ناپذیرند.	اعتقاد به اینکه انسان ها صاحب روح هستند	۳۰	۱۰۰
اگر انسان تلاش کند و از خدا بخواهد، خدا می تواند تقدیر را تغییر دهد. پس سرنوشت هر کس هم به تلاش خودش بستگی دارد و هم به خواست خدا.	اعتقاد به جبر و اختیار با هم	۱۸	۶۰
انسان یا هر موجود زنده ای در جبر متولد می شود، اما من معتقدم که	اعتقاد به اختیار	۷	۲۳

			۹۰ درصد جریان زندگی اش را خودش هدایت می‌کند.
۱۷	۵	اعتقاد به جبر	به نظرم انسان‌ها هرچقدر هم تلاش کنند، نمی‌توانند با تقدیرشان بجنگند. چیزی که باید اتفاق بیفتد، اتفاق می‌افتد. ما باید راه مبارزه با اتفاقات بد و همسو شدن با اتفاقات خوب را یاد بگیریم.
۷۰	۲۱	اعتقاد به شیطان	منحرف کننده اصلی ما انسان‌ها شیطان است که در قرآن کریم و روایات و احادیث بارها و بارها به آن اشاره شده است.
۳۰	۹	اعتقاد نداشتن به شیطان	شیطان بیشتر امری درونی است. آن بخش از وجود خودمان را که گرایش به بدی دارد، به شیطان ربط می‌دهیم.
۷۰	۲۱	اعتقاد به وجود جن	در قرآن این موضوع آمده است و عالمان دینی نیز آن را تأیید کرده‌اند.
۱۳	۴	شک به وجود جن	به جز همان سوره جن که در قرآن هست، اطلاع دیگری از بود یا نبودشان ندارم.
۱۷	۵	اعتقاد نداشتن به وجود جن	من را یاد فیلم‌های علمی-تخیلی می‌اندازد که جذابیت دارند، اما واقعیت ندارند.
۸۰	۲۴	اعتقاد به وجود و ظهور امام زمان	در تمام ادیان آمدن منجی گفته شده است. من هم فردی مذهبی هستم و مذهبم به من بشارت منجی را داده است.
۷	۲	شک به وجود و ظهور امام زمان	خیلی سخت است به امام زمان اعتقاد داشته باشیم. نوجوان که بودم، اعتقاد داشتم، ولی الان مطمئن نیستم وجود داشته باشد.
۱۳	۴	اعتقاد نداشتن به وجود و ظهور امام زمان	داستانی است که خودمان ساخته‌ایم تا به آینده امیدوار باشیم.
۸۰	۲۴	اعتقاد به اینکه قرآن کلام خداست	قرآن وحی منزلی است که بر پیامبر(ص) نازل شده است و نمی‌تواند کلام انسان باشد.
۱۰	۳	اعتقاد نداشتن به اینکه قرآن کلام خداست	معتقدم که خداوند فطرت واقعی را در وجود همه ما قرار داده است و نیازی به کتاب نیست.
۳	۱	احتمال تحریف قرآن	برخی از سوره‌ها و آیات آن برایم قابل توجه نیست و فکر می‌کنم شاید در آن تحریفاتی صورت گرفته است. برای مثال، درباره زنان چیزهایی گفته که با عقل و منطق من جور در نمی‌آید.
۷	۲	مهم نبودن اعتقاد به اینکه قرآن کلام خداست یا نه	راستش برایم مهم نیست که قرآن کلام چه کسی است.
۶۰	۱۸	اعتقاد به استخاره	زمانی که به بن بست می‌رسم و نمی‌توانم تصمیم درست را بگیرم استخاره می‌کنم.
۴۰	۱۲	اعتقاد نداشتن به استخاره	به استخاره اعتقاد ندارم همیشه همان تصمیمی را که فکر می‌کنم درست است می‌گیرم.
۶۰	۱۸	اعتقاد به حجاب	حجاب در صورتی که همراه با باور باشد، در سالم بودن جامعه نقش دارد، به شرطی که اجباری نباشد. برای من که باعث امنیت خاطر است و حتی به نظرم زیباست.
۴۰	۱۲	اعتقاد نداشتن به حجاب	به نظر من حجاب امری انسانی و اجتماعی است. من اگر در جامعه دیگری زندگی می‌کردم و مسلمان هم بودم، مسلماً حجاب نداشتم. اینجا در جامعه ایران حجاب بیش از اینکه از نظر دینی واجب باشد، از نظر حفظ فرد در مقابل آسیب‌های اجتماعی مؤثر است.

۱۳	۴	اعتقاد به چادر	از ۱۲ سالگی چادر می پوشم. اوایل به خاطر خانواده و فرهنگ غالب چادر سرمی کردم. ۱۷ سالگی چادرم را برداشتم، چون می خواستم خودم انتخابش کنم و پس از یک سال به عنوان حجاب کاملتر انتخابش کردم.
۴۳	۱۳	عدم اعتقاد به چادر	حجاب برتر ننگ داشتن خود از رفتار غیر اخلاقی است و برای هر کس می تواند با پوشش خاصی تعریف شود.
۴۳	۱۳	اجبار برای پوشیدن چادر	در خانواده ما دختران در مقطع راهنمایی باید چادر بپوشند. مادرم به چادری بودن دخترانش خیلی اهمیت می دهد و مانتویی بودن را نوعی بی حرمتی به جمع خانواده مان می داند و سخت مخالف این قضیه است.
۷۷	۲۳	اعتقاد به مقوله محرم و نامحرم (دست دادن)	مسأله ای که از نظر اسلام حرام باشد، حرام است و ما نمی توانیم به دلخواه خود چیزی را تغییر دهیم.
۲۳	۷	عدم اعتقاد به مقوله محرم و نامحرم (دست دادن)	اگر دست دادن امری متداول باشد، گناه نیست، چون در شرایط توجیه می شود.
۸۷	۲۶	نماز خواندن	به خاطر اعتقاد نماز می خوانم، چون واجب شرعی است.
۱۳	۴	عدم اعتقاد به نماز	من مناسک خاصی را به عنوان عبادات روزانه انجام نمی دهم. معمولاً اهل مراقبه و سخن گفتن با خداوند هستم.
۷۳	۲۲	خواندن نماز جماعت	اگر در جایی باشم که نماز را به جماعت بخوانند، شرکت می کنم.
۲۷	۸	عدم اعتقاد به نماز جماعت	دوست ندارم حمد و سوره ام را کسی بخواند که او را نمی شناسم.
۷۳	۲۲	شرکت در مجالس مذهبی	در مجالس مذهبی می توانم چیزهای زیادی در مورد دین خودم فرابگیرم.
۲۷	۸	شرکت نکردن در مجالس مذهبی	اسم این مجالس مذهبی است، ولی جو آن مذهبی نیست.
۸۷	۲۶	اعتقاد به روزه گرفتن	روزه گرفتن نوعی خودسازی و کامل شدن دین است.
۱۳	۴	عدم اعتقاد به روزه گرفتن	روزه گرفتن تنها برای کاهش وزن خوب است، نه چیز دیگر.
۹۳	۲۸	قرآن خواندن	سعی می کنم قرآن بخوانم، چون کلام خداست و به آن توصیه شده است.
۷	۲	عدم اعتقاد به خواندن قرآن	احساس نیاز نمی کنم که قرآن بخوانم.
۷۳	۲۲	اعتقاد به امر به معروف و نهی از منکر	به نظر من اگر خوب انجام شود و درست باشد، خیلی هم خوب است به شرطی که افراد ظرفیت بالایی داشته باشند که بپذیرند.
۲۷	۸	عدم اعتقاد به امر به معروف و نهی از منکر	به نظر من امر به معروف و نهی از منکر دخالت در کارهای بقیه است.
۶۳	۱۹	اعتقاد به داشتن مرجع تقلید	مرجع تقلید دارم و سعی می کنم همیشه از ایشان تقلید کنم، چون در دین اسلام آمده دینداری بدون داشتن مرجع تقلید کامل نیست.
۳۷	۱۱	عدم اعتقاد به داشتن مرجع تقلید	هر انسانی می تواند در مسیر رشد به تکامل برسد. مشاوره یا راهنمایی را قبول دارم، اما اطاعت محض را از یک نفر نه.

کدبندی اولیه (مادران)

درصد	تعداد	مفهوم یا کد اولیه	عبارت
۱۰۰	۳۰	اعتقاد به خدا	چون مسلمان هستم، خدا را قبول دارم. خداوند و باور به او در دل است. بدون وجود خدا و خالق یک نوع بی‌نظمی احساس می‌شود.
۱۰۰	۳۰	اعتقاد به معاد	خداوند هیچ چیزی را بیهوده نیافریده است. ادامه زندگی در آن دنیا هم وجود دارد و نتیجه کارهای خود را هم آنجا می‌بینیم.
۹۳	۲۸	اعتقاد به بهشت و جهنم	اگر بهشت و جهنم نباشد، پس خداوند چطور می‌خواهد به انسان‌ها پاداش و کیفر بدهد؟
۷	۲	عدم اعتقاد به بهشت و جهنم	به بهشت و جهنمی که برایمان ترسیم کرده‌اند، اعتقاد ندارم. به این اعتقاد دارم که هر کس سرانجام نتیجه کارش را می‌بیند.
۱۰۰	۳۰	اعتقاد به اینکه انسان‌ها صاحب روح شیمیایی و معدنی نمی‌ماند. چیزی که به ما حیات می‌دهد، روح است.	اگر روح را از جسم بگیریم، چیزی جز یک سری مولکول و مواد شیمیایی و معدنی نمی‌ماند. چیزی که به ما حیات می‌دهد، روح است.
۳۷	۱۱	اعتقاد به جبر و اختیار با هم	سرنوشت انسان‌ها تعیین شده است، اما انسان مختار می‌تواند با اعمال خود آن را تغییر دهد.
۱۷	۵	اعتقاد به اختیار	انسان مختار است و خودش تصمیم می‌گیرد.
۴۷	۱۴	اعتقاد به جبر	معتقدم سرنوشت هر کس روی پیشانی‌اش نوشته شده است. برای من که تا به حال هر اتفاقی افتاده، انگار روی پیشانی‌ام همان را نوشته‌اند.
۸۷	۲۶	اعتقاد به شیطان	خدا شیطان را دشمن انسان می‌داند، چون خیلی وقت‌ها آدم را به گناه وا می‌دارد.
۱۳	۴	عدم اعتقاد به شیطان	همه آفریده‌ها خیر و خوبی است. بد آفریده نشده. شر یا بدی در واقع میزان دوری ما از خیر و خوبی است و به خودی خود معنا ندارد.
۱۰۰	۳۰	اعتقاد به وجود جن	به موجوداتی که دیده نمی‌شوند، اما وجود دارند، اعتقاد دارم که جن هم می‌تواند جزو آنان باشد.
۱۰۰	۳۰	اعتقاد به وجود و ظهور امام زمان	در همه ادیان و اعتقادات فردی هست که در زمانی خاص به منظور احیای آن عقیده یا دین ظهور می‌کند تا دین را تازه کند و این زمینه و امیدی را برای پیروان ایجاد می‌کند.
۹۳	۲۸	اعتقاد به اینکه قرآن کلام خداست	مسئلاً قرآن از طرف خدا به پیغمبر وحی شده است و نمی‌تواند کلام انسان باشد.
۷	۲	احتمال تحریف قرآن	مطمئن نیستم قرآن دست نخورده باشد.
۸۷	۲۶	اعتقاد به استخاره	وقتی در انجام یک کاری دو دل هستم، استخاره می‌گیرم.
۱۳	۴	عدم اعتقاد به استخاره	فکر می‌کنم با استخاره می‌خواهیم خودمان را گول بزنیم. به هر حال، ما مختار به انجام هر عملی هستیم.
۹۰	۲۷	اعتقاد به حجاب	حجاب برای حفظ حریم طرفین لازم است. من حجاب را معرف شخصیت فرد می‌دانم.
۱۰	۳	عدم اعتقاد به حجاب	حجاب را حجاب مرسوم بین مردم نمی‌دانم، اما چون تغییر بافت فکری چندین ساله امکان‌پذیر نیست، ما ناچار مجبور به حفظ حجاب هستیم.

۵۷	۱۷	اعتقاد به چادر	چادر حجاب کامل است و می‌تواند جلوی وسوسه نامحرم را بگیرد.
۲۰	۶	عدم اعتقاد به چادر	حجاب کوچکترین تناقضی با نداشتن چادر ندارد.
۲۳	۷	اجبار برای پوشیدن چادر	در خانواده‌ای که همه چادری هستند، پوشیدن چادر بی‌حرمتی به جمع است. اکثر زنان در خانواده ما چادری هستند.
۸۷	۲۶	اعتقاد به مقوله محرم و نامحرم (دست دادن)	اصلاً نمی‌توانم قبول کنم که دختر و پسر نامحرم با هم دست بدهند.
۱۳	۴	عدم اعتقاد به مقوله محرم و نامحرم (دست دادن)	بستگی به فرهنگ جامعه‌ای دارد که در آن زندگی می‌کنیم.
۱۰۰	۳۰	نماز خواندن	با خواندن نماز با خدا ارتباط کلامی برقرار می‌کنم و این خیلی مهم است.
۸۷	۲۶	خواندن نماز جماعت	اگر فرصت کنم برای نماز به مسجد می‌روم. اگر هم در جایی باشم که نماز را به جماعت بخوانند، شرکت می‌کنم.
۱۳	۴	عدم اعتقاد به نماز جماعت	دوست ندارم به جماعت نماز بخوانم، زیرا که من امام جماعت را نمی‌شناسم. بنابراین، ترجیح می‌دهم خودم نماز بخوانم.
۹۰	۲۷	شرکت در مجالس مذهبی	من خیلی زیاد در مجالس مذهبی شرکت می‌کنم و این امر را وظیفه خودم می‌دانم.
۱۰	۳	عدم شرکت در مجالس مذهبی	از جوّ این مدل مجالس خوشم نمی‌آید.
۹۷	۲۹	اعتقاد به روزه گرفتن	انسان با روزه گرفتن به خدای خودش نزدیک می‌شود و تمرینی برای کامل کردن دین است.
۳	۱	عدم اعتقاد به روزه گرفتن	روزه گرفتن را امر واجب نمی‌دانم.
۱۰۰	۳۰	قرآن خواندن	در اسلام خواندن قرآن بسیار تأکید شده است، به همین دلیل من هم سعی می‌کنم با این عمل رضایت خدا را به دست آورم.
۵۰	۱۵	اعتقاد به امر به معروف و نهی از منکر	یکی از واجبات دین است که باید آن را جدی بگیریم.
۴۰	۱۲	امر به معروف و نهی از منکر اعضای خانواده	به جز بچه‌هایم کس دیگری را امر به معروف و نهی از منکر نکرده‌ام.
۱۰	۳	عدم اعتقاد به امر به معروف و نهی از منکر	این کار نوعی دخالت است.
۹۷	۲۹	اعتقاد به داشتن مرجع تقلید	به نظر من خیلی از سؤال‌ها را باید از عالمش پرسید و من هم که علمم در این زمینه کامل نیست، پس ادعا نمی‌توانم کنم.
۳	۱	عدم اعتقاد به داشتن مرجع تقلید	مراجع تقلید را قبول ندارم.

می‌یابند. از این رو، هر مقوله در برگیرنده تعدادی کدهای مشابه، متداخل و هم‌معناست.

کدگذاری سطح دوم یا متمرکز
در این قسمت انبوه داده‌ها (کدها- مفاهیم) به تعداد مشخص و محدودی از مقوله‌های عمده کاهش

کدبندی سطح اول و دوم (متمرکز)		
توضیح	مقوله‌های عمده (کدبندی متمرکز)	مفاهیم (کدبندی اولیه)
باورهایی را در بر می‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان یک دین به آنها اعتقاد داشته باشند.	باورهای دینی	۱- خدا؛ ۲- معاد؛ ۳- بهشت و جهنم؛ ۴- انسان‌ها صاحب روح هستند؛ ۵- جبر و اختیار؛ ۶- شیطان؛ ۷- جن؛ ۸- وجود و ظهور امام زمان؛ ۹- قرآن کلام خداست؛ ۱۰- استخاره؛ ۱۱- حجاب؛ ۱۲- چادر؛ ۱۳- مقوله محرم و نامحرم.
اعمال دینی مشخص که انتظار می‌رود پیروان هر دین آن را به جا آورند.	رفتارهای دینی	۱- نماز خواندن؛ ۲- خواندن؛ نماز جماعت؛ ۳- شرکت در مجالس مذهبی؛ ۴- اعتقاد به روزه گرفتن؛ ۵- قرآن خواندن؛ ۶- امر به معروف و نهی از منکر؛ ۷- داشتن مرجع تقلید.

نتیجه‌گیری

ارزشی، مدعی است که یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شکاف نسلی میان مادران و دختران وجود ندارد و تنها تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود که قابل توجه و معنادار نیست. به عبارت دیگر، شواهد تجربی فرضیه شکاف نسلی را در میان جمعیت نمونه تحقیق تأیید نمی‌کند (همان، ۳۷۲).

۳- دیدگاهی که مسأله اصلی را گسست فرهنگی می‌داند، نه گسست نسلی. این دیدگاه معتقد است که شکاف نسلی نه یک معضل اجتماعی، بلکه معضلی بیولوژیک و ناشی از اقتضای سنی است، اما در عوض، گسست فرهنگی وجود دارد که بر اساس آن اختلاف بین نسل‌ها نیز توضیح داده می‌شود. از این نظر، در شرایط گسست فرهنگی، جامعه نه بر اساس سن، بلکه بر اساس دو نوع رویکرد سنتی و جدید به دو گروه تقسیم می‌شود. در هر گروه پیر و جوان در کنار هم قرار دارند، اما شاید دلیل کثرت بیشتر جوانان در یکی از گروه‌ها، ناشی از توأم شدن گسست فرهنگی و گسست نسلی باشد. گسست فرهنگی، گسستگی در آداب و عادات کهنه و جدید نسل جوان

در تحقیق حاضر سعی بر آن بوده است که با استفاده از تکنیک مقوله‌بندی، به تجزیه و تفکیک داده‌ها به مفاهیم و مقولات مرتبط با باورهای دینی و ارزش‌های دینی پردازیم و به درکی از ارزش‌های دینی در بین دو نسل مادران و دختران جوان‌شان نائل آییم؛ تا بدین وسیله دریابیم آیا بین مادران و دختران در زمینه ارزش‌های دینی شکاف نسلی وجود دارد یا خیر.

درباره وجود یا عدم شکاف نسلی در ایران و عوامل مؤثر بر آن دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. این دیدگاه‌ها را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱- دیدگاهی که از وجود شکاف نسلی در ایران دفاع می‌کند. این متفکران معتقدند در ایران شکاف نسلی وجود دارد و به تدریج شدیدتر هم می‌شود (علیخانی، ۱۳۸۲: ۱۷۳، ۷۳ و ۱۸۸-۱۸۹).

۲- دیدگاهی که به تفاوت نسلی قائل است و نه شکاف یا گسست نسلی. توکلی یکی از مخالفان شکاف نسلی است و در نتیجه‌گیری مقاله‌اش با عنوان «بررسی ویژگی‌های دو نسل در چارچوب نظام

را نیز نمی‌توانند به ذهن خود راه دهند و فرهنگ به طور کامل و بدون تغییر به نسل بعد منتقل می‌شود. یافته‌ها نشان داد که برای اکثر مادران، پرسیدن از ارزش‌های دینی امری بدیهی بود و آنها نمی‌توانستند دلایل کافی برای باورها و اعتقادات خود بیان کنند و مسلمان بودن و داشتن خانواده‌ای مذهبی تنها دلیل آنها برای پذیرش ارزش‌های دینی بود. در میان آنها تنها یکی از مادران می‌گوید که به بسیاری از اعتقاداتی که هم اکنون دارد، پس از یک دوره بی‌اعتقادی رسیده است.

به اعتقاد مید، در فرهنگ‌های همسال‌گرا به علت تغییر و تحولات، نسل گذشته نمی‌تواند الگوی مناسبی برای نسل بعد باشد و هر دو نسل می‌پذیرند که وضعیت زندگی آنها نمی‌تواند مشابه هم باشد. بنابراین، نسل گذشته، تفاوت رفتار را امری طبیعی می‌داند.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر در بخش کیفی، پذیرش ارزش‌ها از سوی دختران را باید در بین دو فرهنگ نیاکان‌گرا و همسال‌گرا جای داد. بسیاری از دختران، تا خود مطالعه نکنند و به نتیجه نرسند، حاضر نیستند به آسانی ارزش‌های موجود را بپذیرند، اما از طرف دیگر تأثیر خانواده، به ویژه مادران در برخی از عقاید دختران و در بسیاری از جاها (از جمله نوع پوشش) خودش را نشان می‌دهد.

طبق نظریه وابستگی که دکتر ساروخانی در مقاله خود به آن اشاره می‌کند، وابستگی‌های گوناگونی که فرزندان به والدین خود دارند (وابستگی مالی، عاطفی و ...) می‌تواند باعث کاهش یا عدم امکان به وجود آمدن شکاف میان دو نسل گردد. برخی صاحب‌نظران حوزه جامعه‌شناسی خانواده، از «سندرم شکست» یاد می‌کنند که بارزترین نمونه آن، هراس فرزندان از عاق والدین در صورت هرگونه دگراندیشی و تضاد فکری و عملی با والدین است. نظریه دیگری موسوم به

و پیر است که به اقتضای گذر عمر متفاوت می‌شود. گسست نسلی، گسستگی در اندیشه و فرهنگ و نیز ایدئولوژی و آرمان است (همان: ۲۱-۳۱).

۴- دیدگاهی که با بیم و امید به این پدیده نظر دارد و معتقد است شرایط فعلی اگر مدیریت نشود، پتانسیل گسترش تفاوت نسلی را تا سر حد شکاف نسلی دارد. این متفکران با توجه به شرایط انقلاب در ایران و مشکل نسل انقلابی در پافشاری بر ارزش‌ها و نیز انعطاف پذیری آنان نسبت به تحولات جدید، معتقدند چنانچه این انعطاف ناپذیری تداوم یابد، پدید گسست نسلی اتفاق خواهد افتاد. این گروه نمی‌توانند به وجود یا عدم قطعی شکاف یا گسست نسلی رأی دهند، اما با تناظر شرایط ایران و انقلاب‌های اجتماعی دیگر، احتمال وقوع شکاف نسلی را در شرایط انعطاف ناپذیری حاکمان و نسل انقلاب می‌دهند (علیخانی، ۱۳۸۲: ۹۴-۹۶ و ۱۹۹-۲۰۳).

یافته‌های این پژوهش در بخش کیفی نشان داد که ارزش‌های دینی ارتباط تنگاتنگی با اعتقاد به اسلام، قرآن و روایات دارد. مسلمان بودن بسیاری از ارزش‌ها را در بین دو گروه دختران و مادران به وجود می‌آورد، مانع از انجام بعضی کارها می‌شود و توجیه قبول بسیاری از ارزش‌هاست. در عین حال، هر چند تفاوت‌هایی در مورد ارزش‌های دینی در بین دختران و مادران مشاهده می‌شد، اما این تفاوت‌ها به گونه‌ای نبود که به جنگ و جدال خانوادگی منجر شود و نمی‌توان از آن با عنوان شکاف یا گسست نسلی نام برد.

بر اساس نظریه مید، در فرهنگ نیاکان‌گرا، کودکان به وسیله والدین خود آموزش می‌بینند و بدون پرسش وضع موجود را می‌پذیرند. از آنجا که آنها نمی‌توانند تغییرات فرهنگی را تصور کنند، خلاف وضع موجود

منابع

- ۱- آزادارمکی، تقی. (۱۳۸۶ الف). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۲- آزادارمکی، تقی. (۱۳۸۶ ب). «فرآیند تغییر نسلی بررسی فراتحلیلی در ایران»، فصلنامه جوانان و مناسبات نسلی، شماره اول، صص ۴۱-۶۸.
- ۳- آزادارمکی، تقی و غلامرضا غفاری. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی نسلی در ایران، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ۴- اسماعیلی، رضا. (۱۳۸۱). «فاصله‌گیری نسلی و تغییرات فرهنگی در جامعه شهری اصفهان»، آموزه، ش ۱۳، صص ۱۹-۲۴.
- ۵- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- ۶- پناهی، محمد حسین. (۱۳۸۰). «فاصله نسلی و اختلافات خانوادگی و چگونگی برخورد با آن»، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، ش ۳۷ و ۳۸، صص ۷۷-۱۱۳.
- ۷- پناهی، محمدحسین. (۱۳۸۳). «شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه، ش ۲۷، صص ۱-۴۱.
- ۸- توکلی، مهناز. (بی.تا). «ارزش‌ها: مفاهیم و ابزارهای سنجش»، نامه پژوهش، ش ۱۴ و ۱۵، صص ۱۳۱-۱۶۶.
- ۹- داریاپور، زهرا. (۱۳۸۶). «ساختار ارزشی و مناسبات نسلی»، دو فصلنامه جوانان و مناسبات نسلی، شماره اول، صص ۱-۲۳.
- ۱۰- ذکائی، محمدسعید. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی جوانان ایران، تهران، نشر آگه.
- ۱۱- ساروخانی، باقر و مجتبی صدافتی فرد. (۱۳۸۸). «شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها»

نظریه چرخشی نیز بر این امر اشاره دارد که فرزندان که به لحاظ ارزشی با والدین و نسل پیش از خود دارای شکاف هستند، خود، پس از رسیدن به نقطه سنی کمابیش معین، یا در جایگاه والدینی با نسل پس از خود به گونه‌ای عمل می‌کنند که مصداق شکاف نسلی است، حال آنکه در زمانی پیش از این، همین والدین در جایگاه فرزندان در موضوع‌های مشابه، با والدین خود دچار چالش بوده‌اند (ساروخانی و صدافتی فرد، ۱۳۸۸: ۲۰-۲۱). یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از این بود که تعدادی از مادران در جنبه‌های گوناگونی از ارزش‌های دینی معتقد بودند که اگر دخترانشان با آنها همراهی نکنند، با ایشان به مخالفت برمی‌خیزند. این دختران سعی می‌کردند رابطه خود را با مادران، به خاطر تفاوت در ارزش‌ها خراب نکنند و با آنها کنار می‌آمدند. البته، تعدادی از مادران هم بودند که با حرف زدن درباره اختلافات قانع می‌شدند و ترجیح می‌دادند در تصمیم‌گیری دخترانشان دخالتی نداشته باشند.

به نظر اینگلهارت، تحصیلات رسمی افراد و تجارب شغلی آنها به افراد کمک می‌کند تا استعدادهايشان را برای تصمیم‌گیری مستقل افزایش دهند. یافته‌ها نشان دادند که فاصله تحصیلی و پیرو آن فردگرایی بر شکاف نسلی ارزشی بین دختران و مادران شان مؤثر است.

بر اساس نظر مانهایم، نسل جوانتر، ارزش‌ها، نگرش‌ها و تمایلات خود را از نسل مسن‌تر دریافت می‌کند، اما به سادگی خود را با ارزش‌های از پیش موجود منطبق نمی‌سازد، بلکه ارزش‌های مذکور را اصلاح و تعدیل می‌کند. به این ترتیب، فاصله سنی یکی از عوامل مؤثر بر شکاف نسلی ارزشی در پژوهش حاضر بود.

- ۲۱- قاضی نژاد، مریم. (۱۳۸۳). *نسل‌ها و ارزش‌ها: بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی تفاوت‌گرایشات ارزشی نسل جوان و بزرگسال*، پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۲۲- کاظمی پور، عبدالمحمد. (۱۳۸۸). *نسل ایکس: بررسی جامعه‌شناختی نسل جوان ایرانی*، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- ۲۳- کوئن، بروس. (۱۳۸۴). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت، چاپ شانزدهم.
- ۲۴- مارشال، کترین و گرچن راس من. (۱۳۷۷). *روش تحقیق کیفی*، ترجمه علی پارسایان و سید محمد اعرابی، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم.
- ۲۵- محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). *ضدروشن: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*، جلد اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- ۲۶- معیدفر، سعید. (۱۳۸۳). «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران)»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۴، صص ۵۵-۸۰.
- ۲۷- ملکی، امیر. (۱۳۸۴). *بررسی نظام ارزشی جامعه ایران: با تکیه بر نظریه نوسازی و تغییرات فرهنگی رونالد اینگلهارت*، پایان‌نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی گرایش مسائل اجتماعی ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- ۲۸- یوسفی، نریمان. (۱۳۸۳). *شکاف بین نسل‌ها: بررسی تجربی و نظری*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- 29- Bengston, Vern L and et al, (2009), A Longitudinal Study of the Intergenerational Transmission of Religion, "International Sociology", vol24.
- 30- Boehnke, Klaus, (2001): Parent-Offspring Value Transmission in a Societal Context: Suggestion for a Utopian Research Design- پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره چهارم، صص ۷-۳۱.
- ۱۲- طالبی، ابوتراب. (۱۳۸۷). *جزوه جامعه‌شناسی فرهنگی*، تهران: دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۳- علیخانی، علی اکبر. (۱۳۸۲). «بررسی ویژگی‌های دو نسل در چارچوب نظام ارزشی»، *مجموعه مقالات گسست نسل‌ها*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، صص ۳۵۱-۳۸۳.
- ۱۴- «روان‌شناسی سیاسی انقطاع نسل‌ها»، *مجموعه مقالات گسست نسل‌ها*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، صص ۸۱.
- ۱۵- «گسست نسلی در ایران: افسانه یا واقعیت»، *مجموعه مقالات گسست نسل‌ها*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، صص ۳۱۱-۳۲۹.
- ۱۶- «ویژگی‌ها، افکار و پیامدهای ظهور نسل سوم نخبگان در ایران»، *مجموعه مقالات گسست نسل‌ها*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، صص ۱۶۷-۱۷۷.
- ۱۷- «ملاک‌های سیلان یا انقطاع نسل‌ها»، *مجموعه مقالات گسست نسل‌ها*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، صص ۷۱-۸۱.
- ۱۸- «انقطاع نسل‌ها؛ انقلابی کامل»، *مجموعه مقالات گسست نسل‌ها*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، صص ۱۷۷-۱۸۳.
- ۱۹- «صورت‌های نوعی گسست نسلی و فرهنگی»، *مجموعه مقالات گسست نسل‌ها*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، صص ۳-۲۳.
- ۲۰- «شکاف و گفتگوی نسل‌ها با تأکید بر ایران»، *مجموعه مقالات گسست نسل‌ها*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، صص ۱۹۱-۲۱۵.

with Empirical Underpinnings, *Journal of Cross-culture Psychology*, vol. 32.

31- Cileli, Meral and Tezer, Esion, (1998): Life and value orientations of Turkish university students, "Adolescence", Vol. 33

32- Mead, Margaret, (1970): *Culture and Commitment: A Study of Generation Gap*, "New York".

33- Okajaki, Lynn and Kimberly A. Hammond and Laura Seamon, (1999): Socialization of Religious Beliefs, *Journal of Applied Developmental Psychology*, Vol. 20, No. 2.

34- Shcuman, Howard and Jaqueline scott, (1998): Generations and Collective memories, "American Sociological Review", Vol.54.

35- Schvaneveldt, Paul L., Jennifer L. Kerpelman, (2005): Generational and Cultural Changes in Family Life in the United Arab Emirates: A Comparison of Mothers and Daughters, "Journal of Comparative Family Studies", Vol. 36.

36- Whitbeck, Les B. and Victor Gecas,(1988), Value Attributions and Value Transmission between Parents and Children, *Journal of Marriage and Family*, Vol.50, No.3

Archive